

### بررسی و تحلیل مبانی رجالی محمدتقی مجلسی\*

فاطمه شریعتی<sup>۱</sup>

سید مهدی لطفی<sup>۲</sup>

#### چکیده

مبانی رجالی به مجموعه باورها و اعتقاداتی اطلاق می‌شود که پایه و اساس نظرات رجال‌پژوه را تشکیل می‌دهد. بررسی مبانی هر یک از رجالیان در زمره تحقیقاتی است که می‌تواند افزون بر تنقیح مبانی، سبب روشن شدن سیر تاریخی و تحولات این علم نیز باشد. یکی از این عالمان اثرگذار در دوره صفویه، ملا محمدتقی مجلسی است که مبانی رجالی خود را ضمن دو شرح خود بر «من لایحضره الفقیه» و ذیل بررسی راویان، بیان کرده است. این مقاله با بررسی آراء رجالی مجلسی اول و باورهای بنیادین وی در این زمینه، در صدد بررسی مبانی‌ای است که وی بدانها تصریح داشته و یا در عمل و هنگام بررسی راویان، پیاده ساخته است. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین مبانی رجالی مجلسی اول را می‌توان صحت کتب اربعه دانست که با اقامه برخی قرائن و ادله، در صدد اثبات آن برآمده است. «شهادت متن به صحت خبر»، «جبران ضعف سند با عمل اصحاب به مضمون حدیث»، «جبران ضعف سند به واسطه شهرت متن»، «عدم نیاز به ذکر سند در کتب مشهوره» و «شهرت راویان مجهول نزد متقدمان» از دیگر مبانی رجالی اوست. واژگان کلیدی: علم رجال، مبانی رجالی، کتب اربعه، محمدتقی مجلسی.

\* دریافت: ۹۷/۰۹/۱۳ پذیرش: ۹۸/۰۲/۰۲ (مقاله پژوهشی).

۱. دانشجوی دکترای دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه اصفهان / f.shariati1367@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) / m.lotfi@ltr.ui.ac.ir

## ۱- مقدمه

مبانی جمع مبنا به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵) و مقصود از مبانی در هر علم، اساس، پایه‌ها، بستر و ساحت‌های زیرین آن علم است (مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۲۴). از این رو، مقصود از مبانی رجالی، باورها و اصول پذیرفته شده توسط عالمان رجالی است که پایه و اساس توثیقات و تضعیفات ایشان را تشکیل می‌دهد. پژوهش حاضر به استخراج و بررسی مبانی رجالی مجلسی اول پرداخته است.

محمدتقی مجلسی از علمای اصفهان در عهد صفوی بوده است. وی را نخستین کسی دانسته‌اند که پس از ظهور صفویه، حدیث را در ایران منتشر کرد (خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۸) و با تلاش چهل ساله او، کتاب‌های حدیثی در بسیاری از کتابخانه‌های اصفهان و سایر شهرها منتشر شد. وی خود را پیشگام حل اشکالات و تفصیل برخی اجمال‌های موجود در روایات دانسته است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹). بر جای ماندن تعداد زیادی از اجازات مجلسی به محدثان<sup>۱</sup>، حاکی از جایگاه و هیمنه علمی وی در حوزه حدیث اصفهان است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۷، ص ۴۳). مهم‌ترین آثار حدیثی مجلسی اول عبارتند از: «روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه»، «لوامع صاحبقرانی»، «حاشیه بر نقد الرجال تفرشی»، «احیاء الاحادیث در شرح تهذیب الاحکام»، «الاربعون حدیثاً»، «شرح خطبه متقین»، «حاشیه بر اصول کافی» (گزی، ۱۳۷۱، ص ۶۴/ جهت اطلاع از کلیه مکتوبات مجلسی اول ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، مقدمه کتاب، ص ۱۲/ مسعودی، ۱۳۸۵، ص ۳۳/ قاسمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۱۳).

نظر به جایگاه حدیثی مجلسی اول در میان معاصرانش و با توجه به وجود برخی رجالیان شاخص در این دوره و نیز اوج‌گیری تفکرات اخباری‌گری، مقاله حاضر در صدد بررسی مبانی رجالی و درایة الحدیثی وی برآمده است. مهم‌ترین مبنای وی که پایه و اساس دیدگاه‌ها و تحلیل‌های رجالی او را شکل داده، اعتقاد به صحت کتب اربعه است و مجلسی در راستای اثبات این دیدگاه، از قرائن متعددی بهره گرفته است. در این پژوهش، ضمن بررسی دلایل مجلسی اول بر این اعتقاد، سایر مبانی رجالی او نیز ذکر می‌شود.

لازم به ذکر است که برخی نکات مطرح شده در پژوهش به صورت محدود، ناظر به مبانی درایة الحدیثی مجلسی اول است؛ اما به دلیل غلبه مباحث رجالی، در عنوان مقاله تنها به ذکر «مبانی رجالی» اکتفا شده است.

۱. بخشی از این اجازه‌نامه‌ها در جلد ششم میراث حدیثی اصفهان به چاپ رسیده است (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۷،

## ۲- پیشینه پژوهش

یکی از نگاشته‌هایی که موضوعی مشابه مقاله حاضر دارد، کتابی است با عنوان «الاسس الحدیثية و الرجالية عند العلامة شیخ محمدتقی المجلسی» به قلم عبدالهادی مسعودی و محمدرضا جدیدی‌نژاد. این کتاب از سه باب تشکیل شده است. باب اول کتاب، پس از بیان شرح حال مجلسی اول، در ضمن چهار فصل، به بررسی تاریخ حدیث و رجال از دیدگاه وی اختصاص یافته است. نویسندگان در باب دوم ضمن فصول: «تصحیح الاخبار»، «معرفات الوضع»، «تنويع الخبر»، «کیفیه تحمل الحدیث و صیغ ادائه»، «الفاظ المدح و الذم و مصطلحات فی الدراية و الرجال» به تشریح مصطلح الحدیث از دیدگاه مجلسی اول پرداخته‌اند. تنها برخی عناوین ذکر شده ذیل موضوع: «تصحیح الاخبار» با مطالب مندرج در این مقاله تحت عنوان «توجه به مبانی متقن متقدمان در نقل و ثبت حدیث»، به لحاظ عنوانی و نه محتوایی، اشتراک دارند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: این مقاله با کتاب «الاسس الحدیثية و الرجالية» به لحاظ موضوعی چند تفاوت اساسی دارند. در بخش مبانی رجالی، نگارنده کتاب صرفاً به بیان ادعای مجلسی در صحت روایات کتب اربعه اشاره کرده، ولی دلایل وی جهت اثبات این نظریه را ذکر نکرده است. از این رو، بیان مبانی مجلسی اول در اثبات صحت روایات کتب اربعه، تصحیح اسناد این کتب از طریق تعویض اسناد، تعیین مشایخ اجازه و نیز سایر مبانی رجالی وی در مقاله حاضر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

پژوهش دیگر مقاله‌ای است با عنوان «نگاهی به مبانی مجلسی اول در حدیث و رجال» نگاشته محمدرضا جدیدی‌نژاد. عناوین و محتوای این مقاله به نوعی با کتاب فوق‌الذکر مشترک است. نویسنده در این اثر به ذکر مواردی همچون قطعی‌الصدور بودن کتب اربعه، صحت اخبار اصحاب اجماع و اصول و صحت مرسلات اصحاب جلیل‌القدر ائمه (ع) پرداخته است. در این مقاله نیز، مبانی مجلسی در اثبات نظریه صحت کتب اربعه بررسی نشده است.

## ۳- مبانی حجیت قول رجالی

اقوال رجالیان مهم‌ترین منبع جرح و تعدیل راویان است. از این رو، باید از اعتبار آن‌ها اطمینان یافت. عالمان چند مبنا را به عنوان مبانی حجیت قول رجالی مطرح کرده‌اند. برخی بر این اعتقادند که خبر واحد در احکام کلی عرفی و در موضوعات خارجی همچون گزارش‌های وارده درباره وثاقت و ضعف راویان حجت است. در نتیجه، جرح یا تعدیل‌های رجالی ثقه درباره راویان

معتبر خواهد بود. به دیگر سخن، همانطور که خبر ثقه در امور روزمره معتبر است، خبر او در جرح و تعدیل و بیان اسم، کنیه، طبقه، قبیله و سایر اموری که به حالات راوی برمی‌گردد نیز، مورد پذیرش است. برخی بر این باورند که مبنای حجیت سخن رجالی، خبرویت وی در علم رجال است و رجوع به خبره سبب وثوق و اطمینان می‌شود. عده‌ای نیز معتقدند مبنای پذیرش اقوال رجالیان، فتوا و ظنون اجتهادی معتبر است که خود مبتنی بر دلیل انسداد باب علم است (جهت اطلاع بیشتر ر.ک: لطفی، ۱۳۹۴، صص ۳۲-۳۸).

گروهی از عالمان معتقدند که مبنای پذیرش قول رجالی، شهادت وی بر وثاقت و ضعف راویان است و از آنجا که شهادت فرد عادل از نظر شارع مقدس معتبر است، سخن رجالی نیز مورد پذیرش خواهد بود. حال در پاسخ به این سؤال که اگر مبنای قول رجالی را شهادت بدانیم، آیا تعدد، عدالت و دیگر شروط شهادت نیز در خصوص راوی شرط است، دو نظر ارائه شده است. برخی تعدد را شرط می‌دانند و به دلیل شرط دانستن عدالت در خبر، خصوص علم به عادل بودن راوی را نیز لازم می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۸، ص ۲۰۴) و گروهی دیگر به مزکی واحد اکتفا کرده‌اند (بهایی عاملی، بی‌تا، ص ۲۷۲). مجلسی اول نیز بر این اعتقاد است که مبنای حجیت قول رجالی، شهادت وی به توثیق راویان بوده و نظر به این که هر یک از این رجالیان، توثیق روات را به صورت متواتر از کتب پیشینیان دریافت کرده‌اند، قول مزکی واحد کفایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۸).

### ۳-۱- صحت کتب اربعه

یکی از مسائلی که نقش مهمی در جهت‌گیری‌های رجالیان دارد، اعتقاد ایشان درباره احادیث مندرج در کتب اربعه حدیثی است. برخی همچون اخباریان قائل به صحت کتب اربعه هستند و البته، این اعتقاد نزد ایشان دارای مراتب قوت و ضعف است. مجلسی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به این نظریه اشاره کرده و مبانی خود جهت اثبات این امر را متذکر شده است. مبانی وی در صحت کتب اربعه را می‌توان ذیل شش عنوان «حجیت شهادت صاحبان کتب اربعه بر صحت روایاتشان»، «تأیید اخبار کتب اربعه توسط احادیث سایر کتب متقدمان»، «اعتبار مصادر کتب اربعه»، «امکان مقابله کتب اربعه با اصول توسط معاصران مشایخ ثلاثه»، «توجه به مبانی متقن متقدمان در نقل و ثبت حدیث» و «امکان تصحیح اسناد کتب اربعه» بررسی کرد. در ادامه، به شرح هر یک از این موارد پرداخته می‌شود.

### ۳-۲- حجیت شهادت صاحبان کتب اربعه به صحت احادیث‌شان

یکی از دلایلی که عالمان بر صحت کتب اربعه اقامه کرده‌اند، شهادت صاحبان این کتب بر

صحت احادیث‌شان است (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳). مجلسی ضمن اشاره مکرر به سخنان مشایخ ثلاثه (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۱۰۱، ۱۸۸، ۲۰۲ و ج ۵، ص ۵۱۱)، واژه «افتاء» در سخن شیخ صدوق را «فتوا» به صدور روایات از ائمه (ع) دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷). توضیح این‌که شیخ صدوق در مقدمه «من لایحضره الفقیه» و در بیان شیوه‌گزینش احادیث می‌نویسد: «قصدت الی ایراد ما افتی به و احکم بصحته» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳). مجلسی معتقد است مقصود شیخ صدوق، فتوای ایشان بر صحت صدور احادیث این کتاب از ائمه (ع) است.

لازم به ذکر است که تعبیر «صحت حدیث» در کلام متقدمان و متأخران به یک معنا بکار نرفته است. متأخران حدیثی را که کلیه افراد سلسله سند آن امامی ثقه باشند، صحیح دانسته‌اند، حال آن‌که متقدمان، صحیح را بر حدیثی اطلاق کرده‌اند که علم به صدور آن از معصومان داشته باشند (بهای، بی‌تا، ص ۲۶۹). مجلسی اول بر این اعتقاد است که توثیق راویان توسط کلینی و شیخ صدوق حجت بوده و تصحیح شیخ صدوق نسبت به راویان نه تنها کم‌تر از توثیق اصحاب رجال نیست (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۴۳۶)؛ بلکه او را عالم‌تر از رجالیان معرفی کرده است (همان، ج ۹، ص ۵۵). از این‌روست که وی بحث درباره اسناد روایات کتب اربعه را ضروری نمی‌بیند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۷) و ذکر سند توسط صاحبان کتب اربعه را صرفاً جهت تیمن و تبرک دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۰۳).

به اعتقاد وی، حکم به صحت متقدمان از متأخران بهتر است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱) و حتی شهادت شیخ صدوق و کلینی از شهادت رجالیان نیز بالاتر می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۵). از نظر وی، امکان عدم حصول علم یا ظن از خبر صحیح نزد متأخران وجود دارد، ولی متقدمان مدعی اطمینان از صحت حدیث هستند (همان، ج ۱، ص ۲۸).

حال اگر سؤال شود که این قطعیت چگونه برای متقدمان به وجود آمده است و به گفته مجلسی اول: «چگونه ایشان به صحت اخباری که از ضعف نقل شده و یا احادیثی که به صورت مرسل آمده و احتمال ضعف آن هست، علم پیدا کرده‌اند، حال آن‌که خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ (حجرات: ۶/۴۹) و در برخی اخبار، اجتناب از نقل روایت از کسانی وارد شده که صدوقان از ایشان نقل حدیث کرده‌اند؟!» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱). مجلسی خود در پاسخ به این سؤال، با استناد به سخن حسن بن علی و شاء مبنی بر رؤیت

چهار هزار محدث از امام صادق (ع)، ذکر اسامی چهار هزار نفر از راویان مصنف توسط ابن عقده (همان، ج ۱۴، ص ۱۱)، جمع‌آوری اسامی راویان صاحب کتاب (غیر از کسانی که ابن عقده از ایشان نام برده) توسط ابن نوح و وجود برخی راویان مکرر حدیث چون جابر جعفی با هفتاد هزار حدیث و محمد بن مسلم با سی هزار حدیث، ذکر خبری واحد در بسیاری از اصول چهارصدگانه و تصنیفات فراوان در دوره حضور ائمه (ع) امکان حصول تواتر حدیث برای متقدمان را ممکن دانسته (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۶) و بیان داشته که این امر، درباره اشخاصی چون شیخ صدوق و امثال او، علاوه بر تواتر از طریق انضمام قرائن نیز به دست آمده است (همان، ج ۷، ص ۵).

### ۳-۳- مکتوب بودن مصادر کتب اربعه

شیوه دسترسی متقدمان به روایات، محل بحث و بررسی حدیث‌پژوهان بوده است. برخی عالمان و شرق‌شناسان مانند گلدتسیهر، با استناد به قرائنی چون صورت شفاهی روایات و اخبار که بر بسیاری از قلمرو میراث اسلامی سایه انداخته، روایاتی که بر نامطلوب بودن کتابت علم در صدر اول دلالت دارد و حافظه اسطوره‌ای عرب بدوی، همه یا بخش مهمی از نخستین آثار مکتوب مسلمانان را صرفاً روایات شفاهی و فاقد هرگونه اثر مکتوب تلقی کرده‌اند. در مقابل، عده‌ای بر این اعتقادند که بخش بزرگی از منابع کتب حدیثی و تاریخی موجود، مانند بسیاری از روایات صدر اسلام، مکتوب بوده و منابع نوشتاری با ادبیات شفاهی، پیوستگی دارند. این اشخاص، سنت کتابت را فرآیندی رو به رشد از صدر اسلام تا دوره تدوین و تصنیف این کتاب‌ها دانسته‌اند که به تدریج از مرحله یادداشت تا تدوین و تصنیف پیش رفته است (عزیزی، ۱۳۹۱، صص ۳۰-۵۷). مجلسی اول در زمره عالمان این دسته است. یکی از مبانی مهم وی در اعتبار صحت کتب اربعه، کتاب‌محور بودن متقدمان است که این امر را نقطه تمایز ایشان با متأخران معرفی کرده است<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۵۸ و ۱۰۲ و ج ۲، ص ۳۵۷ و ج ۶، صص ۲۱۹ و ۳۳۴ و ج ۱۴، صص ۹۶ و ۲۳۹).

به اعتقاد مجلسی، کتب اربعه حدیثی نیز از مکتوبات اخذ شده است. او جهت اثبات ادعای خود به قرائنی همچون مباهات متقدمان به مکتوبات (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۲۱۶ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۸۲ و ج ۳، ص ۴۲۷ و ج ۴، ص ۳۲۹ و ج ۶، ص ۱۸۲)، اهمیت و وجوب کتابت حدیث در عصر حضور معصومان (ع) (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۷)، به کارگیری کتابت به عنوان ابزار

۱. نمی‌توان پذیرفت که این مبانی، نقطه تمایز متقدمان و متأخران است. قرائن حاکی از آن است که جریان کتابت

هیچ‌گاه قطع نشده است (جهت اطلاع بیشتر رک: عزیزی، ۱۳۹۱، صص ۳۰-۳۲).

جرح و تعدیل راویان<sup>۱</sup> و وحدت طریق کلینی در بیشتر روایات حلبی استناد کرده است (همان، ج ۳، ص ۲۳۹). توضیح مطلب آنکه، کلینی طرق متعددی به روایات حلبی دارد (ر.ک: عمادی حائری، ۱۳۸۸، صص ۳۴۹ الی ۳۷۴)؛ اما طریق وی در بیش از سیصد حدیث از کافی به این شرح است: «عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۱). به اعتقاد مجلسی، این امر نشانگر این است که کلینی از کتاب حلبی نقل حدیث کرده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۸۳).

ثمره کتاب محوری متقدمان، نقل به لفظ شدن روایات، تواتر متن حدیث و اطمینان بیشتر به صحت آن است؛ زیرا زمانی که راویان، از مکتوبات به نقل حدیث می‌پرداختند، امکان مراجعه معاصران به اصل کتاب وجود داشت و اگر حدیث را در مرجع اصلی نمی‌یافتند، نویسنده را کذاب و وضاع حدیث می‌نامیدند. از این‌روست که به اعتقاد مجلسی، نقل احادیث با مضامین مشابه توسط مشایخ ثلاثه از شخصی واحد، همچون حسین بن سعید، موجب اطمینان به صدور حدیث از آن شخص است و بر این اساس، وی وجود اخبار متواتر هرچند متواتر معنوی، در کتب اربعه را ممکن دانسته است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۹۶). البته مقصود مجلسی، حصول تواتر در صدور حدیث از اصحاب ائمه (ع) و صاحبان کتب حدیثی است، ولی لازمه علم به صدور آن از معصومان (ع)، با توجه به امکان نقل به معنا و خطا و سهو اصحاب، نقل روایت توسط جماعتی فراوان از راویان ثقه است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۰۴). وی با بیان این مطلب، پاسخگویی به این شبهه برخی متأخران که حصول تواتر با شهادت سه نفر (صاحبان کتب اربعه) را امکان‌پذیر نمی‌دانند، ممکن ساخته است.

نظر به اهمیت کتاب محوری متقدمان، دقت در مصادر صاحبان کتب اربعه در نقل حدیث، نقش مهمی در احراز صحت یا عدم صحت روایات این کتب دارد. از جمله مهم‌ترین این مصادر اصول اربعه<sup>۲</sup> است (جهت اطلاع از روند شکل‌گیری و سرنوشت این اصول ر.ک: کلبگر، ۱۳۷۹، سراسر اثر).

بر اساس سخن صدوق در مقدمه «من لا يحضره الفقيه»، منبع دیگر ایشان در نقل حدیث، کتب مشهور و معتبر نزد محدثان است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳). مجلسی اول ضمن بیان استفاده کلینی از کتب مشهور (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۰)، مقصود از شهرت کتاب‌ها را «متواتر

۱ استعمال تعابیری مانند «له اصل» در مدح راویان (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۸ و ۳۵)، قرینه این امر است.

بودن آن کتب» دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴ و ج ۱، ص ۱۹۰).

به نظر می‌رسد، معیار متقدمان در ارزش‌گذاری کتب، محتوای روایات مندرج در آن بوده است. از این‌رو، با تعداد فراوانی از روایان ضعیف یا مجهول مواجه می‌شویم که کتاب‌های ایشان مورد اعتماد و اطمینان اصحاب امامیه بوده است. افرادی چون معاویه بن میسره (همان، ج ۱، ص ۲۸۱)، ابونمیر (همان، ج ۱، ص ۴۰۳)، ابوالبختری (همان، ج ۱، ص ۴۰۸)، عمرو بن جمیع (همان، ج ۱، ص ۴۳۷)، حفص‌الاعور (همان، ج ۲، ص ۱۴۸) و موسی بن بکر (همان، ج ۳، ص ۳۵۷) در این زمره هستند. مجلسی ضمن اشاره به سنت متقدمان در تقسیم‌بندی اعتبار کتب بر مبنای موافقت احادیث مندرج در آن با روایات اعظم محدثین، بیان داشته تعبیری چون «یعرف و ینکر» ناظر به کتبی است که مشتمل بر احادیث صحیح و نیز غریب بوده است. وی چنین می‌نویسد: «مدار قدما بر کتاب بوده است و می‌دیده‌اند که اگر موافق است با احادیثی که اعظم محدثین روایت کرده‌اند مانند زراره و محمد بن مسلم و برید و حلبی و کنانی، حکم به صحت کتاب می‌کرده‌اند و اگر مشتمل بوده است کتاب بر احادیث غریب، طرح می‌کرده‌اند و اگر هر دو داشته است، «یعرف و ینکر» می‌گفته‌اند» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۱۹).

شیخ صدوق نام برخی از کتاب‌های مورد استفاده خود را از جمله کتب علی بن مهزیار اهوازی، حسین بن سعید، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، نوادر الحکمه، کتاب الرحمه، جامع محمد بن حسن بن الولید، نوادر محمد بن ابی عمیر، محاسن برقی و رساله علی بن بابویه در مقدمه «من لایحضره الفقیه» آورده است (نک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳).

از دیدگاه متقدمان، شرط نقل روایت از یک شخص، احراز صداقت وی و نه مذهب اوست (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۱ و ج ۱۴، ص ۲۶۷). از این‌رو، برخی از کتب غیر امامیه نیز نزد ایشان معتبر به شمار می‌رفت. کتاب‌های اشخاصی چون حفص بن غیاث قاضی، حسین بن عبید الله سعدی، نوح بن دراج، سکونی و کتاب «القبلة» نوشته علی بن حسن طاطری در زمره این منابع مکتوب است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۸، ص ۴۱۵ و ج ۱۴، صص ۵۹، ۳۷۰، ۴۴۶).

یکی از منابع مهم شیخ صدوق، کتاب فقه رضوی است که از دوران مجلسیین، در مجامع حدیثی شهرت پیدا کرد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۲۳۰) و پیش از آن چندان شناخته شده نبود. مجلسی اول نخستین کسی بود که این کتاب را ترویج داد (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۱۷) و نقش مهمی در مقبول افتادن این اثر در اذهان داشت که این امر را می‌توان قرینه‌ای بر جایگاه وی در دوران خودش دانست. مجلسی درباره چگونگی دست‌یابی به این کتاب آورده است: «سید ثقه فاضل معظم قاضی میرحسین چندین سال مجاور مکه بود و پس از آن به اصفهان بازگشت. او نزد من آمد و گفت: برای هدیه‌ای نفیس آورده‌ام. زمانی که مجاور مکه بودم، حاجیان قمی نزد من آمدند و کتابی برایم آوردند که از عبارت پشت جلد به نظر می‌رسید، نام آن فقه رضوی باشد.



در آن کتاب، بعد از حمد و صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (ع)، عبارت: «اما بعد فیقول عبد الله علی بن موسی الرضا» نگاشته شده بود. در بعضی از صفحات آن نیز خط امام (ع) به چشم می‌خورد. صاحب کتاب می‌گفت از پدراناش شنیده است که این کتاب از تصنیفات امام رضا (ع) است و بنده نیز از روی کتاب نسخه‌ای تهیه کردم. سپس قاضی میرحسین نسخه خود را به من داد و من هم از آن نسخه‌برداری کردم» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶).

مجلسی در بخشی از «لوامع صاحبقرانی» بیان داشته که دو فاضل صالح ثقه، این کتاب را از قم به مکه نزد قاضی میرحسین برده‌اند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۲) که در این نقل، سخنی از این دو ثقه مبنی بر این‌که نویسنده کتاب، امام رضا (ع) باشد، نیامده و صرفاً به آوردن کتابی خاص از قم اشاره شده است (منتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۵).

حجیت یا عدم حجیت این کتاب همواره معرکه آراء عالمان بوده است. برخی انتساب کتاب به امام رضا (ع) را منتفی دانسته و به علت مجهول بودن نویسنده کتاب، قائل به ضعف آن هستند و در مقابل، عده‌ای معتقد به حجیت کتاب‌اند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۲۰/ استادی، بی‌تا، سراسر اثر).

مجلسی ضمن اشاره به قدیمی بودن نسخه، موجود بودن اجازه علما بر کتاب و نیز وجود خط امام رضا (ع) بر صفحاتی از آن (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۱)، بیان داشته که این کتاب یکی از منابع مورد اعتماد و اطمینان متقدمانی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق (همان، ج ۱، ص ۴۱۴ و ج ۵، ص ۵۷) و پدرش علی بن بابویه، در نقل حدیث بوده است و بسیاری از مطالبی که شیخ صدوق بدون مستند ذکر کرده و یا در سایر کتب متداوله یافت نمی‌شود، جزو مطالب این کتاب است (همان، ج ۲، ص ۲۰۰ و ج ۸، ص ۳۱). البته نظر به حسن ظن متأخران به متقدمان و در نظر داشتن این نکته که ایشان ارباب نص بوده‌اند، در مورد سخنان بدون مستند ایشان، بر این اعتقادند که متقدمان به احادیثی دسترسی داشته‌اند که به دست متأخران نرسیده است (همان، ج ۸، ص ۳۱). وی یکی از علل شهرت برخی روایات نزد متقدمان را موجود بودن حدیث در کتاب فقه رضوی دانسته است (همان، ج ۲، ص ۳۰۲).

لازم به ذکر است که مضامین کتاب «فقه رضوی» با رساله علی بن بابویه، مشهور به «شرائع»، شباهت فراوانی دارد. برخی عالمان، این تشابه را قرینه بر این دانسته‌اند که کتاب در اصل از آن علی بن بابویه بوده و تشابه نام، سبب بروز خطا شده است (افندی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۴۳)؛ ولی مجلسی اول معتقد است تشابه مضامین «رساله ابن بابویه» و کتاب «فقه رضوی» از این‌روست

که ابن بابویه قائل به انتساب این کتاب به امام رضا (ع) بوده و به خاطر اعتماد به آن، به نقل روایت از کتاب پرداخته است. شیخ صدوق نیز پس از سفر به خراسان و بعد از پدرش، به این کتاب دست یافت و با مقایسه متن کتاب با رساله پدرش، به آن اعتماد کرد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷). مجلسی اول در جای دیگری بیان داشته که اکثر آنچه علی بن بابویه روایت کرده و در رساله نیز آورده است، عین عبارات «فقه رضوی» است و از این رو، فرزندش شیخ صدوق، به این کتاب اعتماد کرده است (همان، ج ۱، ص ۱۸۴ / مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۳).

هرچند ماجرای ملاقات مجلسی اول و قاضی میرحسین به قبل از نگاشتن «روضه المتقین» برمی گردد، ولی مجلسی هنگام نگارش این شرح، از کتاب مذکور بهره‌ای نبرده است. علت این امر، به امانت رفتن کتاب توسط شاگردان مجلسی و دسترسی وی به کتاب پس از نگارش «روضه المتقین» بوده است. از این رو، مجلسی بر آن شد تا بر شرح خود حاشیه‌ای بزند و این موارد را متذکر شود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶). وی در جلد اول «لوامع صاحبقرانی» مجدداً به سهو خویش در مراجعه به این کتاب اشاره کرده و بیان می‌کند که از این جا به بعد، از «فقه رضوی» نیز بهره خواهد برد (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۳). او حدوداً دویست مرتبه در «لوامع صاحبقرانی» و پنجاه و هفت مرتبه در حاشیه مجلدات اول تا ششم «روضه المتقین» به تطبیق مطالب شیخ صدوق با این کتاب پرداخته است.

برخی، مجلسیین را در زمره قائلین به حجیت فقه رضوی برشمرده‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۲۳۰). ولی مجلسی اول صراحتاً بیان داشته که نزد او متیقن نیست که این کتاب از امام رضا (ع) باشد (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۳۶). از این رو، چنین به نظر می‌رسد که وی در نقش شارح کتاب، صرفاً جهت مستند کردن سخنان شیخ صدوق و سایر متقدمان، از این کتاب بهره برده است. سخن ذیل از او را می‌توان شاهدی بر این ادعا دانست: «از آنجا که متقدمان این کتاب را می‌شناختند و معتقد بودند که از آن امام رضا (ع) است، به آن عمل می‌کردند، اما چون این کتاب به دست متأخران نرسیده، زبان به اعتراض گشوده‌اند. سپاس خدای را که با این نسخه بر ما تفضل نمود که کمترین منفعت این کتاب دفع اعتراض بر متقدمان است» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۰۴).

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود اهمیت «فقه رضوی»، قبل از این، نامی از این کتاب به میان نیامده است. مجلسی این امر را معلول راه‌نیافتن کتاب «فقه الرضا (ع)» به مجامع حدیثی محدثان کوفه و عدم دسترسی ایشان به این کتاب دانسته است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۰۲). دلیل دیگر وی این است که کتاب مورد بحث، در خراسان تألیف شد و چون اکثر مردمان آن دیار، اهل سنت بودند، امام (ع) جهت تألیف قلوب ایشان در برخی مسائل تقیه کرده‌اند، هرچند حق را نیز ذکر کرده‌اند؛ لذا شیخ صدوق و پدرش این کتاب را ظاهر نکردند،

ولی بر اساس آن فتوا می‌دادند و می‌گفتند که این حکم، سخن معصوم (ع) است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷). البته، قول مجلسی ناظر به اشتغال کتاب بر فتاوی عامه، سخنی ضعیف است؛ چرا که امام رضا (ع) هنگام اقامت در خراسان، در مقابل عامه تقیه نمی‌کردند و از طرف دیگر، اگر بپذیریم که این کتاب از آن ایشان است، نمی‌توان کتابی متقن و جامع را به خاطر اشتغال بر برخی فتاوی باطل، تخریب کرده و سست انگاشت (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۵). از دیگر منابع متقدمان می‌توان به کتاب‌های مورد تأیید ائمه (ع) اشاره کرد. پدیده‌هایی همچون جعل حدیث، نسخ و یا امکان صدور حدیث در حالت تقیه، از جمله زمینه‌هایی بود که موجب شد ائمه (ع) بر عرضه حدیث تأکید ورزند و اصحاب را به ضرورت بررسی مجرای حدیث پیش از دریافت آن، متوجه سازند.<sup>۱</sup> از این رو، عرضه یک یا چند حدیث و یا مجموعه‌های حدیثی توسط اصحاب ائمه (ع) بر ایشان، شیوه‌ای کارآمد برای اطمینان از صحت متن حدیث و آگاهی از تصحیف‌ها و تحریف‌های احتمالی، در دوره حضور معصومان به شمار می‌رود. نمونه‌های فراوانی از این دست، در دوره حضور هریک از ائمه (ع) قابل رؤیت است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۶، صص ۲۹-۵۴ و ۱۳۷۷، صص ۱۲۰-۱۶۹). این مجموعه‌های عرضه شده، به عنوان منبعی معتبر جهت نقل حدیث در اختیار متقدمان بوده است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۱۴، ص ۱۲).

از جمله این کتب که از منابع شیخ صدوق در نگارش «من لا یحضره الفقیه» هستند، می‌توان به کتاب عبیدالله بن علی حلبی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳/نک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۷ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴ و ۲۳۵ و ج ۴، ص ۲۳۷)، کتاب حریز بن عبدالله سجستانی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳/نک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۰ و ج ۵، ص ۴۴۹ و ۱۴۰۶، ج ۱۴، صص ۲۶۶، ۸۸، ۹۰، ۳۴۲)، کتاب یونس بن عبدالرحمن (نک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۷) و کتاب فضل بن شاذان و سکونی نام برد (نک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۷ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸).

۱. برای نمونه در حدیثی چنین آمده: «...عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَدِيثٌ رُوِيَ لَنَا أَنَّكَ قُلْتَ إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَقَالَ قَدْ قُلْتَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ وَ إِنْ زَنَوْتُ أَوْ سَرَقْتُ أَوْ شَرِبْتُ الْخَمْرَ فَقَالَ لِي إِنْ آتَى اللَّهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ اللَّهُ مَا أَنْصَفُونَا أَنْ نَكُونَ أَخَذْنَا بِالْعَمَلِ وَ وَضَعَ عَنْهُمْ إِنَّمَا قُلْتُ إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ قَلِيلِ الْخَيْرِ وَ كَثِيرِهِ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۴).

### ۳-۴- تأیید اخبار کتب اربعه با احادیث سایر کتب

قرینه دیگر مجلسی بر صحت روایات کتب اربعه، تأیید روایات این کتب به واسطه سایر مکتوبات حدیثی قدیم است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان از مکتوبات حدیثی شیخ صدوق مثل «امالی» و همچنین، کتاب «قرب الاسناد» حمیری، «بصائر الدرجات» صفار و «محاسن» برقی نام برد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۰۴ و ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۳). مجلسی اول جهت تأیید روایات موجود در کتب اربعه حدیثی، از این کتب بهره برده است (برای نمونه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰۲).

### ۳-۵- مقابله کتب اربعه با اصول اربع‌مأه

در سده‌های نخست، در کنار کتابت علوم و روایت به سبک شفاهی، مسأله عرضه متن و مقابله آن با نسخه‌های تدوین شده نیز مطرح بوده است. این سیستم به اطمینان صدور متون کمک شایانی می‌کرد. با توجه به دسترسی عالمان معاصر مشایخ ثلاثه به اصول اربع‌مأه، ایشان همواره به مقابله احادیث کتب اربعه با این اصول می‌پرداختند. موافقت احادیث مندرج در این چهار کتاب با اصول موجب حصول اطمینان به این کتب شد (همان، ج ۱۴، صص ۳۳۰-۳۹۴).

### ۳-۵-۱- توجه به مبانی متقن متقدمان در نقل و ثبت حدیث

قرینه دیگر مجلسی اول بر صحت روایات کتب اربعه، توجه به اصول دقیق متقدمان در نقل حدیث است. ایشان دقت در این مبانی را موجب حصول علم و یا ظن متأخم به علم نسبت به روایات این کتب دانسته است به‌گونه‌ای که عالمان را از تصحیح مجدد بی‌نیاز می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۵۰۴). نقادی صدوق نسبت به راویان و نیز نگاشته شدن کافی در مدت طولانی بیست ساله، شواهد وی بر این سخن است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۹). مجلسی ضمن بسیاری از مباحث خود، به شیوه متقدمان در نقل حدیث اشاره کرده است. اهمیت پرداختن به این اصول زمانی روشن می‌شود که حدیث‌پژوه هنگام مواجهه با احادیث مرسل یا وجود راویان ضعیف در سند روایات و مواردی از این دست، می‌تواند علت عملکرد صاحبان کتب اربعه در نقل این‌گونه احادیث را دریابد و آن را ارزیابی کند. ازاین‌رو، در ادامه، به بررسی این مبانی به نقل از مجلسی اول پرداخته می‌شود.

### ۳-۵-۱-۱- صحت حدیث بر اثر تکرار در کتاب‌ها

متقدمان بر این اعتقاد بودند که اگر متن یک حدیث در چند کتاب و یا اصل تکرار شود، قرینه‌ای بر صحت آن خواهد بود (بهایی، بی‌تا، ص ۲۶۹). البته، شیخ طوسی این قرینه را با یک

قید پذیرفته و معتقدست حدیث مکرر، باید دارای طرق متعدد باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۹). مجلسی ضمن اشاره به این مبناى متقدمان (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۱۸، ۴۳۱ و ج ۴، ص ۳۹۷ و ج ۱۴، ص ۳۹۶ و ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۵، ص ۵۱ و ج ۱۱، ص ۳۹۳)، صرف تکرار حدیث را قرینه صحت (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۴، ص ۳۹۷)، تواتر و یا استفاضه حدیث دانسته است (همان، ج ۱، ص ۴۲ و ج ۱۱، ص ۱۱۷). برای نمونه، وی ضمن شرح حدیثی دال بر تمثیل پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) هنگام مرگ (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۲)، فراوانی این حدیث و تکرار آن در اصول را مانع از رد حدیث می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۵۳). لازم به ذکر است که از دیدگاه مجلسی، اگر سه تن از فضلا و بزرگان با طرق گوناگون، از اصول چهارصدگانه به نقل از حدیث بپردازند، این امر نیز موجب حصول علم یا ظن متأخم به علم به صحت حدیث خواهد بود (همان، ج ۱، ص ۷۹).

### ۳-۵-۱-۲- امکان استفاده از خبر مرسل جهت تأیید خبر

وجود احادیث مرسل در کتب اربعه مانع از پذیرش صحت کلیه اخبار مذکور در آن است. مجلسی در راستای رفع این اشکال سندی، به مبناى متقدمان در نقل این‌گونه روایات با هدف تأیید حدیث صحیح، اشاره کرده و اشکالی را متوجه عمل ایشان ندانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۴۵ و ج ۷، ص ۹۶ و ج ۱۴، ص ۲۳۹ و ج ۱۴، صص ۲۳۹، ۲۶۲، ۴۴۸ و ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۷۱ و ج ۸، ص ۳۴۵). لازم به ذکر است که از دیدگاه مجلسی اول، مرسلات متقدمان از احادیث مسند ایشان قوی‌تر است؛ چون ایشان برای بیان حکم فقهی جهت عمل مردم به ارسال سند دست زده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۹۶).

### ۳-۵-۱-۳- تساهل در ادله سنن

علت دیگر نقل احادیث ضعیف توسط متقدمان، تساهل و تسامح ایشان در ادله سنن است. مقصود از این قاعده این است که در روایات دال بر مستحبات، وجود شرایط عمل به خبر واحد همانند اسلام، عدالت و ضبط ضرورتی ندارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۳۷). منشأ پدیدآیی این قاعده، روایات مشهور به «من بلغ» است که بر اساس آن، اگر شخصی با حدیثی مواجه شود که پیامبر (ص) یا امام (ع) برای انجام عملی خاص، وعده پاداش داده باشند و شخص با امید رسیدن به پاداش، به حدیث عمل کند، مأجور است؛ هرچند حدیث از ایشان نباشد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۲۵). فارغ از نظرات عالمان درباره صحت و سقم این دیدگاه، مجلسی اول

عملکرد متقدمان در نقل برخی روایات ضعیف یا مرسل در کتب اربعه را ناظر به پابندی ایشان به این مبنا دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۸۶-۱۶۳ و ج ۶، ص ۵۷ و ج ۷، ص ۲۶۴ و ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۶ و ج ۳، ص ۵۹۰).

### ۳-۵-۱-۴- صحت نقل حدیث مرسل از اصحاب اجماع

یکی دیگر از مبانی متقدمان در نقل حدیث، مقبول دانستن حدیث مرسل اصحاب اجماع (کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۸؛ ۳۷۵؛ ۵۵۶) و نیز راویانی است که جز از افراد ثقه نقل حدیث نمی‌کنند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۴). از این رو، وجود برخی روایات مرسل در کتب اربعه با علم به این مطلب قابل اغماض است.

### ۳-۵-۱-۵- مقبولیت راوی در صورت موافقت حدیث وی با اخبار صحیح و متواتر

یکی از اشکالات وارده به اسناد احادیث کتب اربعه، نقل حدیث از راویان مجهول و ضعیف است. مجلسی اول ضمن اشاره به این مطلب که متقدمان، احادیث راویان ضعیف را در صورت موافقت با احادیث صحیح، مقبول<sup>۱</sup> می‌دانستند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۴ و ج ۱۴، صص ۵۳، ۱۰۳، ۱۴۳، ۳۱۶، ۴۴۸)، نقل حدیث شیخ صدوق از راویان مجهولی چون وهب بن وهب (همان، ج ۱۴، ص ۲۸۹) و زیاد بن منذر (همان، ج ۱۴، ص ۳۶۶) را با این مبنا توجیه کرده است.

### ۳-۵-۱-۶- توجه به مذهب راوی هنگام نقل حدیث

حضور راویان عامی مذهب و غالی در اسناد روایات کتب اربعه، پذیرش صحت کلیه روایات این کتب را از دیدگاه متأخران دشوار کرده است. از دیدگاه مجلسی اول، این امر ناشی از تفاوت مبانی ایشان در نقل حدیث از راویان غیر امامی است. مبنای متقدمان در نقل حدیث، اثبات صدق قول راوی بود (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۱ و ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۶۷) و اگر او را راستگو می‌یافتند، به فساد مذهب او اعتنا نمی‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۴). از طرف دیگر، وضعیت راویان هنگام نقل حدیث را مورد توجه قرار می‌دادند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۹۲ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۹) و از این رو، اگر راوی بعداً دچار انحراف عقیدتی می‌شد، روایات منقول از وی قبل از انحراف را می‌پذیرفتند. مقابله حدیث این افراد با اصول مورد اعتماد نیز مبنای دیگری است که با در نظر گرفتن آن، می‌توان وجود احادیث منقول از غیر امامیه را قابل توجیه دانست (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، صص ۱۷۲، ۳۶۷، ۴۴۸).

۱. حدیث مقبول حدیثی است که بدون توجه به صحت یا عدم صحت، آن را پذیرفته و به مضمون آن عمل کرده‌اند (غفاری، ۱۳۶۹، ص ۴۹).

مجلسی نقل حدیث شیخ صدوق از احمد بن هلال (همان، ج ۱۴، ص ۴۷/ مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۷۴)، ابوالجارود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، صص ۳۱۴ و ۳۶۷)، ابان بن عثمان احمر (همان، ج ۱۴، ص ۲۴)، مفضل بن عمر (همان، ج ۱۴، صص ۵۳-۲۸۲)، سلیمان دیلمی (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۴)، عثمان بن عیسی و علی بن حسن بن علی بن فضال (همان، ج ۱۴، ص ۳۹۴)، مسعدة بن صدقة (همان، ج ۱۴، ص ۲۶۷) و سلیمان دیلمی (همان، ج ۱۴، ص ۴۳) را نیز با در نظر گرفتن این مبنا توجیه کرده است.

### ۳-۵-۲- امکان تصحیح اسناد کتب اربعه

مجلسی علاوه بر توضیح و تبیین استدلال‌های خود مبنی بر صحت کتب اربعه، در مقام عمل نیز در صدد اثبات این امر برآمده و به رفع اشکالات سندی موجود در این چهار کتاب پرداخته است. عملکرد وی در این زمینه موجب رفع ارسال اسناد، اثبات صحت اسناد احادیث کتب اربعه، تلفیق آراء متقدمان و متأخران درباره مفهوم صحت (ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۱۰۵، ۱۸۹ و ج ۶، ص ۵۴۲ و ج ۷، ص ۷) و تعیین احادیث اصح جهت ترجیح روایات متعارض (مجلسی، همان، ج ۱، ص ۱۸۹ و ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۸ و ج ۲، ص ۱۳۴ و ج ۱۴، صص ۱۲، ۵۰۳) شده است. وی برای نیل به این هدف از چند شیوه بهره گرفته است: «شیوه تعویض اسناد»، «ابداع برخی اصطلاحات» و «تعیین مشایخ اجازه». در ادامه، به هریک از این موارد اشاره می‌شود.

### ۳-۵-۲-۱- شیوه تعویض اسناد

تعویض یا تبدیل سند یکی از شیوه‌های تصحیح اسناد است که به صورت پراکنده در بررسی‌های علمای امامیه به چشم می‌خورد؛ اما تنظیم این نظریه توسط شهید صدر صورت گرفته است (ر.ک: کاوند، ۱۳۸۶، سراسر اثر). بر پایه این شیوه، در مواردی که تصحیح سند از طرق رایج امکان‌پذیر نیست، با جایگزینی و تعویض اسناد غیر صحیح با صحیح می‌توان به این امر نائل شد. تعویض اسناد در دو شکل کلی «تعویض کل سند» و «تعویض بخشی از سند» قابل انجام است (ر.ک: هادوی طهرانی، ۱۴۲۶، صص ۱۲۹-۱۳۹). در بررسی‌های سندی مجلسی اول، فراوان از این شیوه جهت تصحیح اسناد کتب اربعه استفاده شده و در ادامه بحث به آن اشاره می‌شود.

### ۳-۵-۲-۱-۱- تعویض بخشی از سند

نمونه تعویض بخشی از سند در تصحیح طریق شیخ صدوق به ابوهاشم جعفری (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۲۰) قابل رؤیت است. توضیح آنکه، طریق مذکور به علت اشتراک یکی از راویان، ضعیف است، ولی نظر به اینکه، شخص آخر این طریق، احمد برقی است و شیخ صدوق طریق صحیحی به او دارد، با تعویض بخشی از سند، می‌توان این ضعف را رفع نمود. نمونه دیگر، طریق ضعیف شیخ صدوق به ابو ربیع شامی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۹۸) است. مجلسی با استناد به صحت طریق مؤلف به «حسن بن محبوب» امکان تعویض بخشی از طریق و تصحیح آن را امکان‌پذیر دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲).<sup>۱</sup>

### ۳-۵-۲-۱-۲- تعویض کل سند

موارد تعویض کل سند به شیوه‌های مختلفی به کار رفته است؛ تعویض اسناد شیخ صدوق با طرق او در سایر کتاب‌هایش و یا استفاده از کتب سایر نویسندگان. مجلسی همانطور که خود نیز بدان تصریح کرده (ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۰ و ج ۷، ص ۵)، در برخی موارد با استفاده از طرق شیخ صدوق در سایر کتاب‌های حدیثی وی، به تصحیح سند پرداخته است. برای نمونه، وی با ارجاع به طریق شیخ صدوق در «کمال‌الدین»، طریق ایشان در «من لای‌حضره‌الفقیه» به ابوهاشم جعفری را تصحیح کرده است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۲۰). مثال دیگر، تعویض سند شیخ صدوق در «من لای‌حضره‌الفقیه» با طریق وی در «امالی»، «عیون اخبار الرضا»، «خصال» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۱۱) و «معارض» است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۵).

گونه دیگر بهره‌مندی وی از این قاعده، تعویض اسناد غیر صحیح شیخ صدوق با استفاده از طرق شیخ طوسی است. توضیح اینکه، شیخ طوسی با واسطه شیخ مفید از شیخ صدوق به نقل حدیث پرداخته است. از این رو، اگر طریق شیخ صدوق به برخی راویان صحیح نباشد، ولی طریق شیخ طوسی به همان راوی به واسطه شیخ صدوق صحیح باشد، می‌توان با تعویض سند به تصحیح طریق پرداخت. منشأ این‌گونه تعویض سند را می‌توان در اعتقاد مجلسی مبنی بر «تعدد طرق صاحبان کتب اربعه» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۴۶۱ و ج ۷، ص ۶ و ج ۸، صص ۳۴، ۳۸۷ و ج ۹، ص ۱۵۴ و ج ۱۴، ص ۳۱۹ و ج ۱۴، صص ۷۱، ۵۰۳) جستجو کرد. نمونه این امر در حکم به صحت طرق روایات «سیف بن عمیره نخعی» بارز است. در این طریق، نام «حسین بن سیف بن عمیره» آمده که درباره وضعیت وی در کتب رجالی اظهار نظر نشده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۵۶). از این رو، طریق به اصطلاح متأخران، قوی است. مراجعه به طریق شیخ

۱. نام حسن بن محبوب در طریق صدوق به چشم نمی‌خورد، ولی در ذکر طریق کتاب/بوربوع شامی آمده است (ر.ک:



صدوق به سیف در کتاب «الفهرست» حاکی از آن است که در طریق شیخ طوسی (که صحیح است)، نام شیخ صدوق نیز آمده (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۲۴) که نشان می‌دهد شیخ صدوق به وی طریقی صحیح نیز دارد. مجلسی با تعویض این دو سند، طریق شیخ صدوق را تصحیح کرده است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۴۷). سایر موارد بهره‌گیری مجلسی از این شیوه در تصحیح سند شیخ صدوق به افرادی چون عاصم بن حمید (همان، ج ۱۴، ص ۱۵۴)، عبدالرحمن بن حجاج (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۱)، علی بن الریان (همان، ج ۱۴، ص ۱۹۴)، معاویه بن وهب (همان، ج ۱۴، ص ۲۷۲)، زیاد بن مروان (همان، ج ۱۴، ص ۱۳۱) و عباس بن عامر قصبانی (همان، ج ۱۴، ص ۱۵۶) قابل رؤیت است.

قسم دیگر، تعویض کل طریق صاحبان کتب اربعه با یکدیگر است (نک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، صص ۱۰۱، ۱۸۹). نمونه این گونه تعویض را می‌توان در تعویض سند شیخ صدوق با کلینی (همان، ج ۴، ص ۱۶۳)، سند شیخ صدوق با شیخ طوسی (همان، ج ۱، ص ۱۹۹ و ج ۴، ص ۱۷۱ و ج ۶، ص ۲۶ و ج ۸، صص ۳۰۸، ۶۰۴)، سند شیخ صدوق با کلینی و شیخ طوسی (همان، ج ۲، ص ۲۱۱) و تعویض سند شیخ طوسی با شیخ صدوق (همان، ج ۵، ص ۸۴ و ج ۱۰، ص ۱۹۶)<sup>۱</sup> مشاهده کرد.

### ۳-۲-۵-۲- ابداع اصطلاحات جدید در درایة الحدیث

شیوه دیگر مجلسی اول در تلفیق آراء متقدمان و متأخران درباره مفهوم صحت، بهره‌گیری از اصطلاحاتی انحصاری است. تعابیری چون «الحسن كالصحيح»، «الموثق كالصحيح»، «القوی كالصحيح»، «القوی كالحسن»، «القوی كالموثق»، «ممدوح كالثقه» و «موثق كالثقه» در راستای نیل به این هدف به کار برده شده‌اند. مامقانی ابداع این اصطلاحات را به محمدجعفر بن سیف الدین استرآبادی، صاحب کتاب «لب اللباب» نسبت داده (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۵)، ولی نظر به اینکه، استرآبادی متوفای ۱۲۶۳ هجری است (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۰۵) و قریب به دو قرن پس از مجلسی می‌زیسته، این سخن قابل پذیرش نیست. در ادامه، به بررسی مقصود مجلسی اول از تعابیر فوق‌الذکر پرداخته می‌شود.

۱ در نسخه مجلسی اول از «تهذیب الاحکام»، سند حدیث به واسطه حضور سهل بن زیاد ضعیف بوده است، ولی در

نسخه چاپی امروزی از تهذیب، سند صحیح است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

### ۳-۵-۲-۲-۱- الحسن كالصحيح

مقصود مجلسی از تعبیر «الحسن كالصحيح» اسنادی است که برخی راویان آن مدح قریب به توثیق دارند و یا فاقد توثیق صریح هستند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۶). بررسی موارد استعمال این اصطلاح نشان می‌دهد مجلسی اول این لفظ را درباره اسنادی به کار برده که به اصطلاح متأخران، حسن بوده و برخی از راویان آن، در کتب رجالی مدح شده‌اند، ولی متقدمان حکم به صحت آن کرده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۴۲۹). عمدتاً این تعبیر درباره حدیث کلینی از اصحاب اجماع همچون زراره، محمد بن مسلم و معاویه بن عمار از طریق ابراهیم بن هاشم به کار رفته است (برای نمونه نک: همان، ج ۲، ص ۴۱۷).

### ۳-۵-۲-۲-۲- الموثق كالصحيح

اصطلاح دیگر، «الموثق كالصحيح» است. مجلسی اول درباره کاربرد این تعبیر می‌نویسد: «اگر در رجال سند، بدمذهبی باشد یا همه بدمذهب باشند، اما ایشان را توثیق کرده باشند، آن حدیث را موثق می‌نامم و اگر در سند مثل حسن بن علی بن فضال با ابان بن عثمان و عبدالله بن بکیر و امثال ایشان باشند، آن حدیث را موثق كالصحيح می‌نامم» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۷).

### ۳-۵-۲-۲-۳- القوی كالصحيح

اصطلاح دیگر، «القوی كالصحيح» است. مقصود از این تعبیر این است که در سند حدیث، یک یا چند تن از راویان، مجهول‌الحال هستند، ولی متقدمان حدیث راوی مجهول را تلقی به قبول کرده‌اند: «گاه هست که قوی كالصحيح و علماء به آن حدیث عمل کرده‌اند و قوتش مرتبه مرتبه زیاد می‌شود مثل حدیث محمد بن فضیل و ابوالصباح کنانی که وجوه بسیار هست که حدیث او كالصحيح است» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۷).

### ۳-۵-۲-۲-۴- القوی كالموثق

مجلسی درباره کاربرد ترکیب «القوی كالموثق» (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۸۵) توضیحی ارائه نداده است، اما نظر به اینکه، احتمالاً استرآبادی در به‌کارگیری این تعبیر از مجلسی اول تأثیر پذیرفته، هرچند خود به این امر اذعان نکرده، می‌توان از تعریف وی از این اصطلاحات بهره برد. وی در شرح این اصطلاحات آورده است: «قوی كالموثق سندی است که وضعیت رجالی بعضی از راویان آن مسکوت باشد، این افراد پس از اصحاب اجماع واقع شده باشند، سایر افراد سند ثقة باشند و برخی از این افراد ثقة، غیر امامی ممدوح به مدح تالی وثاقت باشند» (فاضل استرآبادی، ۱۳۸۸، ص ۸۸).

### ۳-۵-۲-۲-۵- القوی کالحسن

استرآبادی همچنین در تعریف سند «القوی کالحسن» می‌گوید: «و آن سندی است که کلیه افراد آن امامی باشند و همه یا برخی از آنان، ممدوح به مدح تالی حسن باشند و یا [متن حدیث از کتبی باشد که] ادعای نسبت به معصوم (ع) داشته باشند؛ همانند کتاب فقه رضوی» (فاضل استرآبادی، ۱۳۸۸، ص ۸۸).

### ۳-۵-۲-۲-۶- ممدوح کالثقة

اصطلاح دیگر، «ممدوح کالثقة» است و مجلسی این تعبیر را تنها درباره ابراهیم بن هاشم به کار برده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۳ و ج ۶، ص ۴۵ و ج ۱۴، ص ۲۳۶). به تعبیر علامه حلی، رجالیان ابراهیم بن هاشم را صریحاً توثیق نکرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۴). البته، مجلسی اول معتقد است مقصود علامه حلی از عدم صراحت این است که نقل علمای قم از او، دال بر توثیق اوست؛ هرچند صریح نیست (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۵۶ و ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۳) و صرف این اعتماد، نشانگر نهایت وثاقت و اعتماد به اوست (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۹۲) و بالاترین مراتب توثیق به شمار می‌رود (همان، ج ۱۰، ص ۳۶۲). همچنین، او نزد کلینی ثقه و بلکه فوق ثقه بوده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۶۸۴). به نظر می‌رسد، مجلسی اول نیز شخصاً معتقد به وثاقت ابراهیم است، ولی نظر به اینکه مسلک خود را مسلک متأخرین عنوان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۹۲)، تنها به شیخ اجازه دانستن او اکتفا کرده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۵۵ و ج ۷، ص ۶ و ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۱۵ و ج ۱۴، صص ۲۳، ۴۱). وی سپس برای نشان دادن تفاوت مراتب حسن راویان (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹) و به جهت نشان دادن جایگاه ابراهیم بن هاشم، به جعل اصطلاح روی آورده و او را ممدوح کالثقة نامیده است.

### ۳-۵-۲-۲-۷- الموثق کالثقة

«الموثق کالثقة» نیز از الفاظی است که برای اولین بار در کلام مجلسی اول ذکر شده است. وی این تعبیر را دو مرتبه درباره ابن فضال (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۹۹) و ابان [بن عثمان] (همان، ج ۶، ص ۳۹۲) به کار برده است. مقصود او از این اصطلاح این است که نظر به غیر امامی بودن این دو نفر، باید بر اساس اصطلاح متأخران، ایشان را موثق دانست، ولی با در نظر گرفتن

مبانی این اشخاص در نقل حدیث،<sup>۱</sup> باید بر ایشان عنوان ثقه را اطلاق کرد. مجلسی اول با استفاده از تعبیر «موثق کالثقة» در صدد رفع این تناقض برآمده است. همچنین، برای تلفیق اصطلاحات متقدمان و متأخران (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۷)، مراسیل ایشان را «موثق کالصحیح» نامیده است (برای نمونه، نک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۲۳).

### ۳-۲-۵-۳- تحلیل بر ارزیابی مشایخ اجازه

با توجه به اینکه از دیدگاه مجلسی اول، ضعف مشایخ اجازه فاقد کتاب اشکالی در سند ایجاد نمی‌کند؛ وی با مصدریابی این‌گونه روایات (برای نمونه ر.ک: ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۲) و تعیین مشایخ اجازه، نقش مهمی در توجیه عمل متقدمان در نقل روایت از افراد ضعیف ایفا کرده است. لازم به ذکر است که مجلسی درباره مشایخ اجازه دیدگاهی متفاوت از سایر رجالیان دارد و ضمن تقسیم ایشان به دو دسته: «مشایخ صاحب کتاب» و «مشایخ فاقد کتاب»، درباره هر یک از این قسم، حکمی متفاوت ارائه کرده است. دسته اول که صاحب کتاب و روایت هستند، همانند شیخ روایت هستند و از این رو، احراز وثاقت یا ضعف ایشان ضروری است. دسته دوم شامل افرادی است که نام ایشان صرفاً جهت اتصال سند ذکر می‌شود و وثاقت و عدم وثاقت ایشان تأثیری در سند ندارد. به نظر می‌رسد، در مواردی که مجلسی اول بیان داشته ضعف یا جهل مشایخ اجازه ضروری ندارد (برای نمونه، نک: مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۷ و ج ۳، ص ۲۵۶ و ج ۴، صص ۳۶۸، ۲۰۲، ۴۳۳)، دسته دوم مد نظر اوست. از این رو، هرگاه یکی از ایشان ضعیف یا مجهول بوده‌اند، حکم به ضعف سند نکرده است؛ بلکه شیوه دیگری در پیش گرفته است. توضیح اینکه، مجلسی اول جهت تلفیق آراء متقدمان و متأخران (همان، ج ۱، ص ۱۰۵)، عدم ایجاد تنفر در فضلا به خاطر انس ایشان با اصطلاحات متأخران (همان، ج ۱، ص ۱۸۹) و نیز تألیف قلوب (همان، ج ۲، ص ۴۱۱)، به ابداع برخی اصطلاحات روی آورده است. از آن جمله، وی اسناد مشایخ اجازه را کالصحیح نامیده (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۴)، ولی در عین حال متذکر شده است که «هرجا کالصحیح می‌گوییم به اعتقاد من صحیح است» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۱۱).

### ۴- شهادت متن به صحت خبر

به اعتقاد مجلسی اول، در صورت ضعف یا جهل سند، متن حدیث خود می‌تواند به تنهایی

۱. این جماعت تا چیزی نزد ایشان یقینی نبوده است، در کتاب خود داخل نمی‌کرده‌اند، پس اگر راوی ما بعد ایشان ضعیف یا مرسل بوده باشد، ضرر ندارد؛ چون این جماعت علم به آن خبر از طریق تواتر یا غیر آن داشته‌اند، (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۵).

دلیلی بر صحت باشد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۶ و ج ۱۳، صص ۱۴۷، ۲۰۶ و ج ۱۴، ص ۵۸ و ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۵ و ج ۶، ص ۱۸۱ و ج ۸، ص ۶۶۶). وی با استفاده از این مبنا، معتقد به صحت کتاب سلیم بن قیس هلالی است. نقل ثقات از این کتاب و عرضه کتاب سلیم بن قیس به معصوم (ع)، قرینه دیگر وی بر این اعتقاد است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۶). همچنین، با استناد به این مبنا، قائل به صحت انتساب کتاب «مصباح الشریعة» است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۲۰۱). مورد دیگر استفاده مجلسی از این مبنا را در اثبات صحت تفسیر محمد بن قاسم استرآبادی می‌توان رؤیت کرد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۵۰).

#### ۵- جبران ضعف سند با عمل اصحاب به مضمون حدیث

مجلسی معتقد است اگر عالمان شیعی به مضمون یک حدیث ضعیف عمل کرده باشند، ضعف سندی آن به واسطه عمل ایشان، جبران خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۲۲۹، ۳۷۲، ۲۰۸، ۳۸۴، ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۳۴، ۴۵۳ و ج ۲، ص ۲۲۷ و ج ۳، ص ۳۲۱ و ج ۶، ص ۱۸۸ و ج ۱۴، صص ۲۰۹، ۳۷۱ و ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۵۶). وی دلیل خود بر این ادعا را چنین توضیح داده است: «ممکن است نزد گذشتگان اخباری متواتر موجود بوده، ولی ایشان با اتکا به وجود آن در کتاب‌ها، صرفاً به آوردن یک روایت [ضعیف] اکتفا کرده باشند و سپس، آن کتب از بین رفته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۱۳۲).

#### ۶- جبران ضعف سند به واسطه شهرت متن

مبنای دیگر مجلسی اول، جبران ضعف سند به واسطه شهرت (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۸۲ و ج ۵، ص ۲۱۸ و ج ۶، ص ۱۰۲ و ج ۱۰، ص ۲۳۶ و ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۲۸۸، ۳۰۲ و ج ۸، ص ۶۲۲)، تواتر و یا مستفیض بودن متن حدیث است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۹۰).

#### ۷- عدم نیاز به ذکر سند در کتب مشهور

به اعتقاد برخی عالمان از جمله مجلسی اول، ذکر طریق کتاب صرفاً جهت اثبات صحت انتساب آن به مؤلف است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۲۸) و ذکر سند هنگام نقل حدیث از کتب مشهور و متواتر، جهت تیمن و تبرک و خروج سند از حالت ارسال است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۲۱، ۲۹، ۳۰ و ج ۷، ص ۲۲۸ و ج ۱۴، صص ۵۹، ۵۰۴ / مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۸۱ و ج ۷، ص ۳۱۵). مجلسی با ذکر این مبنا، در صدد موجه نشان دادن عملکرد متقدمان در نقل

احادیث مرسل از کتب مشهور برآمده است (برای نمونه، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۱۱ و ج ۵، ص ۸۴).

#### ۸- شهرت راویان مجهول نزد متقدمان

وجود راویان مجهول یکی از مشکلات سندی کتب اربعه به شمار می‌رود؛ حال آنکه، شیخ صدوق در ابتدای کتاب خود بیان داشته که کلیه احادیث موجود در «من لا یحضره الفقیه» از کتب مشهور<sup>۱</sup> و مورد اعتماد گرفته شده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳). مجلسی اول ضمن بیان و ردّ برداشت‌های مختلف عالمان از این سخن شیخ صدوق، بر این اعتقاد است که باید گفت جماعتی که نزد ما مشهور نیستند، نزد شیخ صدوق و سایر قداما شهرت داشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۵۰)؛ زیرا شیخ صدوق به واسطه ارتباط با محدثان شهرهای مختلف، از آگاهی‌های رجالی بالایی برخوردار بود، به خلاف برخی رجالیان که صرفاً در بغداد و کوفه ساکن بوده‌اند. از این رو، نام و شرح حال بسیاری از مشایخ شیخ صدوق در کتب رجالی نیامده؛ هرچند بر اساس کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمه» به نظر می‌رسد، اکثر این مشایخ، با حضرت صاحب الامر(ع) در ارتباط بوده‌اند (همان، ج ۱۴، ص ۱۰۴). لذا باید گفت جماعتی که امروزه نزد ما مشهور نیستند، نزد شیخ صدوق و سایر قداما شهرت داشته‌اند (همان، ج ۱۴، صص ۷۱-۳۵۰) و یا ثقه بوده‌اند (همان، ج ۲، ص ۱۳۴).

#### نتیجه‌گیری

۱. یکی از نظریات مشترک میان اخباریان، صحت همه روایات کتب اربعه است. مجلسی جهت اثبات این نظریه، مبانی رجالی خود را تحت عناوین: حجیت شهادت صاحبان کتب اربعه بر صحت روایاتشان، تأیید اخبار کتب اربعه توسط احادیث سایر کتب متقدمان، اعتبار مصادر کتب اربعه، امکان مقابله کتب اربعه با اصول توسط معاصران مشایخ ثلاثه، توجه به مبانی متقن متقدمان در نقل و ثبت حدیث و امکان تصحیح اسناد کتب اربعه شرح داده است.
۲. به گفته مجلسی اول، مشایخ ثلاثه به صحت احادیثشان شهادت داده‌اند. وی تصحیح این اشخاص را حجت دانسته و مشایخ ثلاثه را عالم‌تر از رجالیان معرفی کرده است.
۳. وجود مؤیدات حدیثی کتب اربعه در سایر کتب قداما مانند محاسن برقی، قرینه دیگر مجلسی بر صحت روایات این کتاب‌هاست. وی ضمن بررسی‌های سندی خود در شرح «من لا یحضره الفقیه»، از این روایات بهره برده است.

۱. مجلسی در شرح این عبارت می‌گوید: «این کتب نزد محدثان به انتساب به نویسندگان مشهور است و ظاهراً مراد از شهرت، تواتر است» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴).

۴. نظر به کتاب محوری متقدمان، دقت در مصادر ایشان بسیار مهم است. منابع اصلی صاحبان کتب اربعه در نگارش این چهار کتاب، اصول اربعه‌آمّه، کتب مشهور و متواتر و کتاب‌های مورد تأیید معصومان بوده است.
۵. به اعتقاد مجلسی اول، عالمانی که با مشایخ ثلاثه هم‌عصر بوده‌اند، به مقابله احادیث کتب اربعه با اصول اربعه‌آمّه می‌پرداختند و به خاطر موافقت احادیث این کتاب‌ها با اصول، مورد توجه و اعتماد قرار گرفتند.
۶. توجه به مبانی دقیق متقدمان در نقل حدیث، دلیل دیگر مجلسی بر صحت کتب اربعه است. صحت حدیث بر اثر تکرار در کتب، استفاده از خبر مرسل جهت تأیید اخبار و توجه به مذهب راوی هنگام نقل حدیث، از مبانی متقدمان است. به اعتقاد مجلسی، مبانی دقیق ایشان در نقل حدیث، ما را از بررسی مجدد این کتب بی‌نیاز می‌کند.
۷. شهادت متن به صحت خبر، جبران ضعف سند با عمل اصحاب، جبران ضعف سند با شهرت متن، ضروری نبودن ذکر طریق به کتب مشهور و شهرت راویان مجهول نزد متقدمان از دیگر مبانی رجالی مجلسی است.
۸. مبنای دیگر مجلسی در اثبات صحت کتب اربعه، امکان تصحیح اسناد ضعیف و مجهول این کتاب‌هاست. وی از تعویض اسناد، ابداع اصطلاحات و مصدریابی روایات و تعیین مشایخ اجازه بهره برده است.
۹. مقصود از تعویض سند این است که در مواردی که تصحیح سند از طرق رایج امکان‌پذیر نیست، با جایگزینی و تعویض اسناد غیر صحیح با صحیح می‌توان به این امر نائل شد. تعویض اسناد در دو شکل کلی «تعویض کل سند» و «تعویض بخشی از سند» قابل انجام است. مجلسی به وفور از این شیوه جهت تصحیح اسناد کتب اربعه استفاده کرده است. مجلسی به تعویض سند کتب اربعه با یکدیگر پرداخته است.
۱۰. مجلسی در راستای انطباق مفهوم صحت نزد متقدمان و متأخران، نخستین بار از برخی اصطلاحات بهره برده است. «الحسن کالصحیح»، «الموثق کالصحیح»، «القوی کالصحیح»، «القوی کالحسن»، «القوی کالموثق»، «ممدوح کالثقة» و «موثق کالثقة» در زمره این تعبیر هستند. به نظر می‌رسد، مشابهت این‌گونه اسناد با حدیث صحیح، در نظر گرفتن دیدگاه متقدمان و حسن، وثاقت و قوت سند ناظر به دسته‌بندی متأخران است.
۱۲. برخی عالمان همچون مجلسی اول بر این اعتقادند که ضعف و جهل مشایخ اجازه در

سند روایات مشکلی ایجاد نخواهد کرد؛ ازاین، مجلسی در موارد متعددی ضمن مصدریابی این روایات به تعیین مشایخ اجازه همت گمارده است. وی از این طریق، وجود برخی راویان ضعیف را با «شیخ اجازه بودن» توجیه کرده است.



## منابع و مأخذ

۱. استادی، رضا؛ تحقیقی پیرامون کتاب فقه الرضا(ع)؛ بی‌جا: کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، بی‌تا.
۲. استرآبادی، محمد جعفر؛ لب اللباب فی علم الرجال؛ تهران: اسوه، ۱۳۸۸ ش.
۳. افندی، ملا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ قم: خیام، ۱۴۰۱ ق.
۴. امین، محسن؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۵. بهایی عاملی، محمد؛ (بی‌تا): مشرق الشمسین؛ قم: منشورات مکتبه بصیرتی، بی‌تا.
۶. بهجت یور، عبدالکریم؛ تفسیر تنزیلی: اصول، قواعد و فوائد؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ الرجال؛ ج ۲، نجف: دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۸. خوانساری، میرزا محمدباقر؛ روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
۹. سجادی، احمد؛ میراث حوزة اصفهان؛ قم: الزهراء، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. شیخ انصاری، مرتضی؛ رسائل فقهیه؛ قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثنویة الثانية لمیلاد الشیخ الانصاری، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. \_\_\_\_\_؛ الفهرست؛ قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. عاملی، حسن بن زین‌الدین؛ معالم الدین و ملاذ المجتهدین؛ قم: مرکز النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. عزیزی، حسین؛ نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح در سه قرن اول هجری؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۱۶. عمادی حائری، سید محمد؛ بازسازی متون کهن حدیثی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. غفاری، علی‌اکبر؛ دراسات فی علم الدراییه؛ تهران: جامعه الامام الصادق(ع)، ۱۳۶۹ ش.
۱۸. قاسمی، رحیم؛ محقق مجلسی؛ ج ۱، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۹. کاوند، علیرضا؛ «نظریه تعویض از دیدگاه شهید صدر»؛ حدیث و اندیشه، شماره ۳، بهار و تابستان، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. کشی، محمد بن عمر؛ الرجال؛ مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. کلبرگ، اتان؛ «الاصول الاربعمئة»؛ علوم حدیث، شماره ۱۷، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۲۳. گزی برخواری، عبد الکریم؛ *تذکره القبور*؛ قم: کتابخانه آیة الله مرعشی، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. لطفی، سیدمهدی؛ *پژوهشی در مبانی و اصول دانش رجال*؛ اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. مامقانی، عبدالله؛ *مقیاس الهدایة فی علم الدراییة*؛ قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. مجلسی، محمدتقی؛ *روضه المتقین*؛ ج ۲، قم: کوشانیور، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. \_\_\_\_\_؛ *لوامع صاحبقرانی*؛ ج ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. مسعودی، عبد الهادی؛ «*عرضه حدیث بر امامان، قسمت اول*»، علوم حدیث، زمستان، شماره ۶، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ «*عرضه حدیث بر امامان، قسمت دوم*»، علوم حدیث، شماره ۹، پاییز ۱۳۷۷ ش.
۳۱. \_\_\_\_\_؛ *الاسس الحدیثیه و الرجالیة عند العلامة الشیخ محمد تقی المجلسی*؛ بی چا، قم: دار الحدیث.
۳۲. منتظری، حسینعلی؛ *المکاسب المحرمه*؛ قم: تفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳۳. مؤدب، سید رضا؛ *مبانی تفسیر قرآن*؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. نجاشی، احمد بن علی؛ *الرجال*؛ ج ۶، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳۵. نراقی، احمد؛ *عوائد الایام*؛ قم: مرکز النشر التابع لمکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۶. نوری، حسین؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. هادوی، مهدی؛ *تحریر المقال فی کلیات علم الرجال*؛ ج ۲، قم: خرد، ۱۴۲۶ ق.